

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و سه، دوره جدید، شماره ۵۸، پیاپی ۱۴۸، تابستان ۱۴۰۲
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۹۷-۱۲۵

شهرهای فاطمی افریقیه: ارزیابی کارنامه فاطمیان در عرصه شهرسازی مغرب^۱

زینب فضلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹

چکیده

در مطالعه شهرسازی دوره فاطمیان با وجود آنکه اغلب قاهره در کانون توجه قرار می‌گیرد، اما دوره حضور مستقیم آنها در مغرب را می‌توان یکی از ادوار مهم شهرسازی تاریخ مغرب اسلامی و نیز دوره فاطمیان به شمار آورد که طی آن دو شهر مهدیه و منصوریه (صبرة المنصوریه) بنا نهاده شد. در این پژوهش با درپیش گرفتن روش مطالعه تاریخی شهرهای اسلامی (با اتکا بر ابعاد، زمان و موقعیت جغرافیایی)، شهرهای فاطمی مغرب یعنی مهدیه و منصوریه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بنا بر یافته‌های این پژوهش، شهر مهدیه (نخستین شهر فاطمی مغرب) در موقعیتی حساس و خطیر از نظر تاریخی برای فاطمیان بنا نهاده شد که به نوعی واکنشی با ماهیت تمدنی در قبال مخاطرات امنیتی پیش روی فاطمیان بود. مهدیه افزون بر اینکه برای مقطعی کوتاه به کانون تحولات سیاسی افریقیه تبدیل شد، به سبب موقعیت خاص جغرافیایی آن، در اوایل قرن چهارم قمری به پایگاهی مهم تبدیل شد که از طریق آن فاطمیان بر بحر متوسط (دریای مدیترانه) تسلط یافتند. همچنین شهر منصوریه - که از نظر طرح اولیه و مدور بودن شبیه بغداد ارزیابی می‌شد و الگوی فاطمیان در بنای شهره قاهره نیز بود - به سبب موقعیت مناسب جغرافیایی (مکان‌یابی) آن، در سه دهه پایانی حضور فاطمیان در افریقیه، به کانونی مهم برای فعالیت‌های اقتصادی و تحولات فرهنگی منطقه تبدیل شد.

واژه‌های کلیدی: تاریخ شهرسازی مسلمانان، مغرب اسلامی، فاطمیان، مهدیه، منصوریه (صبرة المنصوریه)

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.43719.2791

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1402.33.58.4.5

۲. استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
z.fazli@alzahra.ac.ir

- این مقاله از طرح پژوهشی با عنوان «نسبت دوره فاطمیان و تاریخ تمدن اسلامی» برگرفته شده است که از تاریخ ۱۴۰۰/۶/۱ تا ۱۴۰۱/۶/۱ با حمایت دانشگاه الزهراء طی «فرصت مطالعاتی اعضای هیئت علمی در جامعه و صنعت» در بنیاد دائرةالمعارف اسلامی انجام شده است.

مقدمه

بنا بر رویکرد کل‌نگرانه در مطالعات تمدنی، برای بررسی تمدن یک دوره تاریخی لازم است که مظاهر و جلوه‌گاه‌های تمدنی-فرهنگی آن دوره شناسایی و بررسی شود. در این میان، شهرسازی و حیات شهری سازمان‌یافته در کنار شخصیت‌ها و نخبگان علمی، ادبی و فرهنگی می‌تواند از جمله اصلی‌ترین مظاهر تمدنی هر عصری در نظر گرفته شود. بر این اساس، در مطالعات تمدنی دوره اسلامی نیز توجه به مقوله شهرسازی اهمیت زیادی دارد. در شبه‌جزیره عربستان -خاستگاه دین اسلام- شهرسازی و حیات شهری در مقایسه با سرزمین‌های متمدن معاصر آن چندان رونقی نداشت و عمدتاً قبیله مهم‌ترین واحد اجتماعی در بین اعراب محسوب می‌شد. با شکل‌گیری تمدن اسلامی طی دو سده اول هجری، شهرنشینی به صورت مهم‌ترین مظهر حیات اجتماعی جهان اسلام درآمد و با تثبیت این مهم، توجه به شهر و شهرسازی از سوی مسلمانان و نیز حاکمان مسلمان اهمیت زیادی یافت. افزون بر اینکه در کالبد شهرهای بزرگ و تأسیس‌شده در ادوار پیشین، متناسب با زیست‌مسلمانی تغییرات مختلفی ایجاد شد. پایه‌گذاری و احداث شهرهای جدید در نواحی و مناطق مختلف در دستور کار قرار گرفت؛ به گونه‌ای که در همان مرحله فتوح نیز شهرهای جدیدی در نواحی فتح‌شده از جمله در عراق (نظیر شهرهای بصره و کوفه) و مصر (همچون شهر فسطاط) پایه‌گذاری شدند. در واقع، از این زمان به بعد شهرسازی به یکی از محورهای مهم فعالیت‌های عمرانی و تمدنی مسلمانان تبدیل شد؛ تا جایی که می‌توان سهم و مشارکت هر دوره تاریخی در این مهم را به عنوان شاخصی تعیین‌کننده در ارزیابی کم و کیف تمدنی آن دوره در تاریخ تمدن اسلامی مد نظر قرار داد. با توجه به اینکه دوره فاطمیان افزون بر اهمیت آن در تاریخ سیاسی مسلمانان، یکی از ادوار مهم تاریخ تمدن اسلامی محسوب می‌شود (ن.ک. به: فضل، ۱۴۰۲: ۶۴ به بعد)، می‌توان از منظر تاریخ شهرسازی نیز این دوره را مورد ارزیابی قرار داد؛ به‌ویژه آنکه یکی از مظاهر مهم تمدنی در عصر فاطمیان، پایه‌گذاری شهرهای جدید و توسعه تمدنی در بستر شهرها بود. نکته مهم درباره شهرسازی دوره فاطمیان اینکه اغلب قاهره در مصر مهم‌ترین شهر ساخته شده از سوی این سلسله مورد توجه واقع می‌شود؛ حال آنکه از منظر تاریخی کارنامه آنها در مغرب در زمینه شهرسازی از اهمیت زیادی برخوردار است. در واقع، پیش از بنای قاهره، در افریقیه شهرهای مهدیه و منصوریه توسط فاطمیان ساخته شده بود و دور از ذهن نیست که موفقیت چشمگیر در بنای قاهره و توسعه شهری آن ناشی از این دو تجربه قبلی بوده باشد. با این اوصاف، در مطالعات تاریخی و تمدنی افریقیه و مغرب و نیز

ارزیابی‌ها از کارنامه تمدنی فاطمیان، بنا و توسعه شهرهای فاطمی افریقیه به شکلی که مبین و ترسیم‌کننده تکاپوها و تحولات تمدنی این سرزمین در قرن چهارم هجری باشد، چندان که باید مورد توجه قرار نگرفته است و اغلب تاریخ این مقطع از عصر فاطمیان با تکیه بر وقایع و کشمکش‌های سیاسی، نظامی و مذهبی ترسیم می‌شود؛ درحالی‌که باید با تأکید گفته شود کارنامه این سلسله در حوزه شهرسازی، به مثابه شاخصی مهم در تکاپوهای تمدنی، در دوره مغرب نیز به اندازه دوره مصر آن حائز اهمیت است. از این رو، نگارنده مقاله حاضر بر آن است با بررسی روند احداث و بنیان‌گذاری شهرهای فاطمی افریقیه یعنی دو شهر مهدیه و منصوریه (صبرة المنصوریه)، عملکرد فاطمیان در عرصه شهرسازی در مغرب اسلامی را ارزیابی کند و از قیل این مهم، تبیین کلی از جایگاه تمدنی فاطمیان با اتکا بر این دوره تاریخی در تاریخ تمدن اسلامی ارائه دهد.

تاریخ شهرها و شهرسازی در دوره اسلامی را با اتکا به روش‌ها و شیوه‌های مختلفی می‌توان بررسی کرد و بنا بر روشی می‌توان این مهم را با محوریت سه متغیر مختلف «ابعاد و اهمیت شهر»، «عصر زمان» و «موقعیت منطقه‌ای-جغرافیایی» مطالعه و ارزیابی کرد (گرایار، ۱۳۹۰: ۱۶). در این پژوهش نیز از این روش برای مطالعه شهرهای فاطمی افریقیه استفاده شده است. با توجه به اینکه تاریخ شهرسازی در دوره فاطمیان به صورت مستقل مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است، بررسی‌های صورت گرفته از شهرهای مهدیه و منصوریه عمدتاً ضمن مطالعات کلی مربوط به تاریخ فاطمیان ارائه شده است. پائولو کونثو در تاریخ شهرسازی جهان اسلام^۱ در بررسی خود از شهرهای ساخته شده در دوره فاطمیان، اشاره‌ای گذرا و کلی به دو شهر مهدیه و صبرة المنصوریه کرده است. الکساندر لیزین^۲ در *Mahdiya* بعد از بررسی کلی تاریخ شهر، یافته‌های باستان‌شناسانه خود از مهدیه را ارائه کرده است. هاینس هالم^۳ نیز در *The Empire of Mahdi* عمدتاً بنای مهدیه را به عنوان تحولی مهم در دوره المهدی بررسی کرده و برخی از تحولات شهری منصوریه در دوره المعز لدین‌الله را توضیح داده است. حجت‌الله جودکی در مقاله «نیاز فاطمیان به ساختن مهدیه»^۴ با تأکید بر نظریه تأمین امنیت خاندان فاطمی، پایه‌گذاری مهدیه را بررسی کرده است. همچنین باید به مدخل‌های

۱. پائولو کونثو (۱۳۸۴)، *تاریخ شهرسازی جهان اسلام*، ترجمه سعید تیزقلم زنوزی، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

۲. Alexandre Lézine (1968), *Mahdiya*, Tunis: Société Tunisienne de Diffusion.

۳. Heinz Halm (1996), *The Empire of Mahdi: the rise of the fatimids*, translated from the German Michael Bonner, Leiden: E. J. Brill.

۴. جودکی، حجت‌الله (بهار ۱۳۷۶)، «نیاز فاطمیان به ساختن مهدیه»، نامه پژوهش، شماره ۴.

«al-Mahdiyya»^۱ و «Sabra or al- Manşūriyya»^۲ مندرج در *Encycloepadia of Islam* و «صبره»^۳ در *دانشنامه جهان اسلام* اشاره کرد که به صورت مختصر کلیاتی از تاریخ این دو شهر در دوره فاطمیان را ارائه داده‌اند. مهم‌ترین وجه تمایز مقاله حاضر با این آثار، بررسی تاریخی شهرهای فاطمی افریقه در چارچوب کلی تحولات تاریخی و تمدنی مغرب اسلامی از منظر شهرسازی مسلمانان در این سرزمین است که اغلب مورد توجه واقع نمی‌شود.

شهرسازی و اهمیت آن در حیات تمدنی دوره اسلامی

به‌طور کلی مفهوم تمدن با «مدینه» و «شهر» در هم‌تندگی دارد و مراحل مختلف یک تمدن، از شکل‌گیری تا رشد و اوج‌گیری و در نهایت ضعف و انحطاط تمدن‌های بزرگ، کم‌وبیش با محوریت شهرها و محیط‌های شهری طی می‌شده است؛ به همین دلیل شهرها نماد تمدن‌ها محسوب می‌شوند و چه بسا گاهی تمدن‌ها به نام شهرها نامور می‌شوند. از این رو، شهرسازی، سازماندهی، کیفیت و ابعاد مختلف زندگی در شهرها، شاخص مهمی برای ارزیابی وضعیت تمدنی یک دوره محسوب می‌شود. این مهم درباره کلیت تمدن اسلامی نیز صدق می‌کند. یکی از فعالیت‌های مهم تمدنی مسلمانان در سرزمین‌هایی که بخشی از جهان اسلام بودند، شهرسازی و بنای شهرهای جدید در کنار تجدید سازماندهی شهرهای بر جای مانده از ادوار پیش از اسلام این سرزمین‌ها بود. در دوره اسلامی و ذیل فعالیت‌های تمدنی، می‌توان شهرها را به دو دسته مهم تقسیم کرد؛ شهرهایی که قبل از اسلام وجود داشته‌اند و در دوره اسلامی همچنان به حیات خود ادامه دادند؛ با این وجه و قید که با پذیرش اسلام توسط اکثریت ساکنان آن و نیز تغییرات مختلفی که در کالبد، ماهیت و ظاهر آنها پدید آمد، عملاً به شهرهای اسلامی تبدیل شدند که از جمله نمونه‌های شاخص این شهرها می‌توان به مکه و مدینه اشاره کرد. دسته دوم شهرهایی‌اند که توسط خود مسلمانان در ایام فتوح اسلامی و یا در ادوار بعد پایه‌گذاری شدند و به تعبیری شهرهای تأسیسی بودند. در سده نخست هجری، با توجه به گسترش قلمرو جهان اسلام، شهرهای پرشماری توسط مسلمانان بنا شدند (Hakim, 2010: 13). از جمله نمونه‌های شاخص و مهم این دسته شهرهای تأسیسی توسط مسلمانان، می‌توان به کوفه، بصره و بغداد در عراق، فسطاط و قاهره در مصر و همچنین قیروان و فأس در مغرب

1. M. Talbi, (1986), "al-Mahdiyya", *EI2*, vol.v, Leiden: E. J. Brill.

2. M. Talbi, (1995), "Sabra or al- Manşūriyya", *EI2*, vol.viii, Leiden: E. J. Brill.

۳. رضوان یزدانی و گروه مطالعات غرب جهان اسلام (۱۴۰۰)، «صبره»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۲۹، تهران: بنیاد

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۰۱

اشاره کرد. این شهرهای نو تأسیس، با وجود آنکه در آغاز برای اهداف نظامی ایجاد شده بودند، با مشارکت در روند تحولات تاریخی، فرهنگی و تمدنی منطقه، به کانونی مهم برای حضور و تثبیت دین اسلام و استمرار اجتماعی آن در این مناطق تبدیل شدند؛ تا جایی که مطالعه تاریخی این سرزمین‌ها از زمان فتح اسلامی به بعد مستلزم توجه به این شهرها است.

نکته جالب توجه تاریخی دیگر درباره شهر در دوره اسلامی این است که شهر، شهرسازی و شهرنشینی، در ادوار بعد تا بدان حد برای مسلمانان اهمیت پیدا کرد که موضوع تأملات و نظریه‌پردازی‌های برخی فیلسوفان مانند فارابی قرار گرفت و دانشورانی چون ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی (متوفای بعد از ۳۸۱ق) و ابوریحان بیرونی (متوفای بعد از ۴۴۲ق) در آثار خود به ابعاد مختلف آن توجه نشان داده‌اند (کونثو، ۱۳۸۴: ۵۵-۵۷). ابن خلدون (متوفای ۸۰۸ق) نظریه مشهور خود درباره سیر تحول جوامع بشری موسوم به عمران و نیز سیر تحول تمدن‌ها را عملاً با محوریت شهر تدوین کرده است (ن.ک. به: ابن خلدون، ۱۴۰۱: ۵۰۲/۱-۵۰۵). همچنین با توجه به اهمیت شهرها در تمدن اسلامی، برخی بر این نظر رفته‌اند که تاریخ اسلام «مبتنی بر تاریخچه‌هایی سلسله‌ای یا تاریخچه شهرهاست» (گرابار، ۱۳۹۰: ۱۴). نکته قابل توجه آنکه متون نگاشته‌شده درباره شهرها اغلب با محوریت رجال و نخبگان شهر (زندگینامه علما و دانشوران شهرها) بوده است که از آن جمله می‌توان به تاریخ بغداد ابوبکر خطیب بغدادی (متوفای ۴۶۳ق) و تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر دمشقی (متوفای ۵۷۱ق) اشاره کرد. از قرن ششم قمری به بعد نیز آثاری درباره شهرهای اسلامی نگاشته شده که خود شهرها و ویژگی‌های آنها مورد توجه قرار داشته‌اند؛ برای نمونه می‌توان به کتاب المواعظ والاعتبار فی ذکر النخط والاثار مشهور به النخط تقی‌الدین مقریزی اشاره کرد که در آن شرحی مفصل و کم‌نظیر درباره شهر قاهره، یکی از بزرگ‌ترین کلان‌شهرهای اسلامی ارائه شده است (گرابار، ۱۳۹۰: ۱۴). با این اوصاف، بخش قابل توجهی از میراث تمدنی مسلمانان در شهرها پدیدار شده و باقی مانده است. بر این اساس، بررسی و مطالعه تاریخ شهرها در دوره اسلامی یا تاریخ شهری اسلامی، در اصل مطالعه تمدن اسلامی نیز می‌تواند باشد و درک روند تمدنی هر یک از ادوار تمدن اسلامی، بدون توجه به روند حیات شهری و نیز شهرسازی‌های صورت‌گرفته، امری دشوار خواهد بود. از این رو، توجه به فعالیت‌های شهرسازی فاطمیان در افریقیه، می‌تواند نمایی کلی از کم و کیف فعالیت‌های تمدنی آنها در مغرب را ترسیم کند.

شهرسازی مسلمانان در مغرب پیشافاطمی

با ورود اسلام به افریقیه و شکل‌گیری اولیه جامعه اسلامی در مغرب در همان سده نخست

هجری، دوران جدیدی از شهرسازی در این سرزمین آغاز شد. مسلمانان بنا بر شرایط خاص دوران فتوح و نیز ضرورت تثبیت اسلام در این سرزمین، درصدد تأسیس شهرهایی در مغرب برآمدند. با توجه به فتح مرحله به مرحله مغرب، وجود پایگاه‌هایی برای اسکان مسلمانان برای پیشبرد فتوح ضرورت داشت. به‌طور کلی شهرسازی در مغرب تا قبل از فاطمیان را می‌توان در دو مقطع تاریخی مختلف مد نظر قرار داد: مقطع نخست که طی آن شهرهایی در دوران فتح اسلامی مغرب ساخته شدند و دوره دوم که در آن شهرهایی توسط سلسله‌های حاکم بر مناطق مختلف مغرب احداث گردیدند. در مرحله اول شهر قیروان توسط عقبه بن نافع در سال ۵۱ق. در افریقیه بنیان نهاده شد که مسجد جامع و دارالاماره به همراه محله‌هایی، کالبد اصلی آن را تشکیل می‌دادند (ابن عذاری، ۱۹۸۳: ۲۰/۱). پس از مدت کوتاهی گروهی از مسلمانان مجاهد (لشکریان مسلمان) در این شهر ساکن شدند و بدین ترتیب، این شهر نقشی راهبردی در تثبیت حضور اسلام در مغرب و ادامه فتوح در این سرزمین ایفا کرد (شهیدی پاک، ۱۳۹۹: ۸۱). با توجه به اینکه وجود شهر بندری تحت تسلط مسلمانان، برای ادامه فتوح مغرب حیاتی می‌نمود، در دوره نخست شهرسازی مسلمانان در مغرب، تونس در محل شهر باستانی قرطاجنه (کارتاژ قدیم) ساخته شد. با استقرار نیروهای مسلمان، افزون بر افزایش امنیت افریقیه به دلیل ارتباط بی‌زانس با این منطقه، تونس به پایگاهی برای قدرت‌نمایی مسلمانان در بحر متوسط تبدیل شد (همو، همان، ۹۱-۹۲).

از مرحله دوم شهرسازی مسلمانان در مغرب، یعنی دوره حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل، گاهی با تعبیر انقلاب شهرسازی در این منطقه در دوره اسلامی یاد می‌شود (ن.ک. به: جان احمدی و امین، ۱۳۹۷: ۱۰). به دلیل اهمیت بنای شهر فأس توسط سلسله نوینیاد ادریسیان در سال ۱۷۲ق (ابن ابی زرع، ۱۸۴۳: ۱۳)، می‌توان ادریس دوم را آغازگر دوره دوم شهرسازی مسلمانان در مغرب دانست.^۱ این شهر که پایتخت دولت ادریسیان بود، نقشی مهم در تحولات تاریخی مغرب، به‌ویژه مغرب اقصی ایفا کرد (ن.ک. به: پروین و پروانه، ۱۳۹۸: ۱۰۶ به بعد). دومین شهر ساخته شده در این دوره در مغرب، شهر «عباسیه» (القصر القدیم) بود که توسط ابراهیم بن اغلب حدود سال ۱۸۴ق. در فاصله سه میل از قیروان بنا نهاده شد. همچنین محمد بن اغلب بن ابراهیم در سال ۲۳۹ق. در نزدیکی تاهرت شهری ساخت که ظاهراً

۱. اگر بتوان بنای تاهرت جدید (تیهرت الحدیثه) را که توسط عبدالرحمان بن رستم حدود سال ۱۶۱ق. در کنار تاهرت قدیم بنا نهاده شد (ابن عذاری، ۱۹۸۳: ۱/۱۹۶) و بعدها با نام شهر تاهرت مشهور گردید، به مثابه شهری مستقل در نظر گرفت، در این صورت باید فضل تقدم در بنای نخستین شهر توسط مسلمانان در دوره دوم شهرسازی در مغرب را به بنیان‌گذار سلسله رستمیان نسبت داد.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۰۳

این شهر نیز عباسیه نامیده می‌شد (بلاذری، ۱۹۹۸: ۲۳۲)؛ به همین دلیل گاهی از آن با نام «عباسیه دوم» یاد می‌شود (قیم و تاباق، ۱۳۹۸: ۵۲). البته مهم‌ترین و موفق‌ترین تجربه شهرسازی در دوره اغلییان، در بنیان‌گذاری شهر رقاده (القصر الجديد) متجلی شد که در سال ۲۶۳ق. توسط ابراهیم بن احمد اغلی (ابراهیم دوم) در فاصله هشت میل از قیروان احداث گردید (بکری، ۱۹۹۲: ۲/ ۶۷۹؛ ابن عذاری، ۱۹۸۳: ۱۱۷/۱) و در بنای آن به صورت تلفیقی از معماری اسلامی و بیزانسی استفاده شده بود (قیم و تاباق، ۱۳۹۸: ۵۲-۵۴). این شهر در تاریخ فاطمیان نیز از این بُعد حائز اهمیت است که عملاً نخستین پایتخت این سلسله در مغرب بود. نکته تکمیلی درباره شهرسازی مسلمانان در شمال آفریقا در این مقطع تاریخی، این است که به‌رغم اینکه بسیاری از شهرهای پیش از اسلام منطقه در دوره اسلامی باقی ماندند، اما از منظر شهرسازی تغییرات و تحولات مهمی در ساختار و کالبد آنها ایجاد شد؛ به گونه‌ای که عملاً به شهرهایی اسلامی و منطبق با زیست مسلمانی تبدیل شدند. بر این اساس، وجه دیگری از شهرسازی دوره اسلامی در تبدیل این شهرها به شهرهایی اسلامی است (ن.ک. به: کونثو، ۱۳۸۴: ۱۰۶ به بعد).

فاطمیان و شهرسازی در افریقه

یکی از وجوه تمدنی عصر فاطمی پایه‌گذاری سه شهر مهدیه و منصوریه در افریقه و قاهره در مصر است که به دوره فاطمیان در تاریخ شهرسازی عصر اسلامی جایگاه خاصی بخشیده است. با وجود آنکه قاهره از قرن چهارم قمری به بعد، همواره یکی از شهرهای مهم جهان اسلام بوده و در اکثر ادوار تاریخی اعتبار و اهمیت خود را حفظ کرده است، اما بنای دو شهر مهدیه و منصوریه در نیمه نخست قرن چهارم قمری، به مشارکت فاطمیان در زمینه شهرسازی در مغرب اسلامی برجستگی بیشتری بخشیده است. در واقع، برای ارزیابی جایگاه فاطمیان در تاریخ شهرسازی مغرب، توجه به این دو شهر اهمیت حیاتی دارد. با توجه به دوره نسبتاً کوتاه حضور مستقیم فاطمیان در افریقه (۲۹۷-۳۶۲ق)، مشارکت آنها در امر شهرسازی به سبب پایه‌گذاری این دو شهر که افزون بر تحولات سیاسی، از نظر اقتصادی، فرهنگی و تمدنی نیز حداقل در جغرافیای افریقه و به‌طور کلی سرزمین مغرب^۱ در این دوره محوریت پیدا کردند،

۱. در سده‌های نخستین اسلامی بنا بر تقسیم‌بندی مرسوم نزد مسلمانان، سرزمین مغرب یعنی آن بخش از جهان اسلام که از انتهای محدوده سرزمینی و مرزهای مصر در غرب تا اقیانوس اطلس و به موازات بحر ابیض/ اوسط (دریای مدیترانه) گسترده می‌شد، به سه کوره و اقلیم مستقل، یعنی مغرب ادنی یا افریقه (مشمول بر لیبی، تونس و بخش‌هایی از شرق الجزایر امروزی)، مغرب اوسط (متشکل از بخش مرکزی و غربی الجزایر) و مغرب اقصی

حائز اهمیت ویژه‌ای است. از این رو، بنای شهرهای مهدیه و منصوریه را باید تجلی سهم و مشارکت فاطمیان در شهرسازی و به‌طور کلی تمدن اسلامی مغرب به شمار آورد.



نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی سه شهر-پایتخت ساخته‌شده به دست فاطمیان

(مهدیه، منصوریه و قاهره) (<https://i.redd.it/bx8w58yok2m61.jpg>)

بنیان‌گذاری مهدیه، کنشی تمدنی در شرایطی مخاطره‌آمیز

با وجود آنکه تحولات سال‌های آغازین حکومت فاطمیان در افریقه عمدتاً با محوریت و تحت تأثیر تحولات سیاسی-نظامی و مذهبی بازخوانی می‌شود، اما یکی از تحولات مهم تاریخی این دوره که ماهیت تمدنی داشت، بنیان نهادن نخستین شهر فاطمیان بود. پس از آنکه با حضور عبدالله المهدی (عبدالله المهدی) در رقاده در ۲۱ ربیع‌الآخر ۲۹۷ دولت فاطمیان به صورت رسمی اعلام موجودیت کرد (قاضی نعمان، ۱۹۸۶: ۲۹۹)، با توجه به موقعیت و امکانات شهر سلطنتی رقاده (بکری، ۱۹۹۲: ۶۷۹/۲؛ ابن عذارى، ۱۹۸۳: ۱۱۷/۱) پایتخت پیشین اغلبیان، این شهر به عنوان پایتخت دولت نوپای فاطمیان در نظر گرفته شد (قاضی نعمان، ۱۹۸۶، ۲۹۲؛ مقریزی، ۱۴۱۶، ۶۶/۱). با وجود این، دولت نوپای فاطمی از همان آغاز به سبب مشکلاتی مانند مخالفت‌ها و شورش‌ها، با تهدیدهای امنیتی مختلفی در افریقه روبه‌رو بود (ن.ک. به: قاضی نعمان، ۱۹۸۶: ۱۶۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۹۴/۸-۹۸؛ ابن عذارى، ۱۹۸۳: ۱۶۵/۱-۱۶۵/۱).

(درب‌گیرنده کشور مغرب یا مراکش کنونی) تقسیم می‌شد (ن.ک. به: فضلی، ۱۴۰۱: ۱۱۳-۱۱۴).

۱۶۶؛ مقریزی، ۱۴۱۶: ۹۸/۱؛ مونس، ۱۹۹۲: ۴۸۰/۱). واکنش فاطمیان به این شرایط از جنس تمدنی آن یعنی بنای شهر جدیدی در افریقیه موسوم به مهدیه بود^۱ که بنای آن در روز شنبه ۵ ذی القعدة ۳۰۳ آغاز گردید (مقریزی، ۱۹۹۱: ۵۶۲/۴). شهر در شبه جزیره‌ای در بحر اوسط (مدیترانه) ساخته شد که به صورت طبیعی امکانات دفاعی مطلوبی را برای مدافعان فراهم می‌آورد و علاوه بر آن، بندرگاهی وسیع و طبیعی نیز داشت. مهدیه به این دلیل که از سه جهت به دریا محدود می‌شد (بکری، ۱۹۹۲: ۶۸۲/۲)، به «شهر بین دو هلال»^۲ مشهور بوده است. گویا سور و باروهای سنگی قطور شهر به درازای ساحل، پیش از قسمت‌های دیگر آن ساخته شد (تیجانی، ۱۹۸۱: ۳۲۱؛ نیز ن.ک. به: ابن‌عذارى، ۱۹۸۳: ۱۸۴/۱؛ Jiwa, 2018: 41-43) و شهر را به شکل قلعه‌شهر غیرقابل نفوذی درآورده بود. برخی منابع نگرانی از عصیان خوارج بر ضد فاطمیان را دلیل پایه‌گذاری شهر مهدیه دانسته‌اند (ابن‌خلدون، ۱۴۰۱: ۴۹/۴) و برخی نیز دشمنی اهل سنت مالکی مذهب قیروان با کتامة و فاطمیان را برای این مهم بیان کرده‌اند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۹۴/۸-۹۵). در برخی منابع نیز چنین روایتی ذکر شده است که المهدی به دلیل آگاهی از حوادث آینده و بیم از جان خاندان حاکمه فاطمی، به چنین اقدامی دست زد؛ حتی در این روایت -که به نظر خالی از اغراق نیست- جهت واقعی جلوه دادن این پیشگویی بیان شده است که بعد از اتمام بنای شهر مهدیه، المهدی این سخن را به زبان آورد که «امروز خیالم از بابت فاطمیات آسوده گشت» (مقریزی، ۱۴۱۶: ۷۱/۱).

اگرچه در بررسی و تحلیل دلایل بنای شهر مهدیه به دلیل تأثیر پرنسپل‌های ایدئولوژیک، عمدتاً نگرانی‌های ناشی از قیام مخالفان فاطمیان در مغرب، اعم از اهل سنت مالکی و خوارج برجسته می‌شود (مونس، ۱۹۹۲: ۴۸۰/۱؛ سید، ۲۰۰۷: ۱۲۴؛ شهیدی پاک، ۱۴۰۰: ۴۳؛ جودکی، ۱۳۷۶: ۱۲۶-۱۲۷)، بنا بر برخی تحلیل‌ها نیز بنای مهدیه به عنوان پایتخت، نشان‌دهنده تصمیم المهدی به ماندن در افریقیه (شمال آفریقا) و آباد کردن آن به جای در نظر داشتن آن به عنوان تکیه‌گاهی موقت برای دیگر مناطق جهان بود (Bloom, 1985: 21; Hamdani, 2006: 30). چنین برمی‌آید که اهداف سیاسی-نظامی بلندمدت بنیان‌گذار دولت فاطمی، در بنای این شهر تأثیرگذار بودند. المهدی از یک سو برای گسترش قلمرو فاطمیان به سمت شرق و عراق -موسوم به سیاست شرقی در بین پژوهشگران معاصر (سید، ۲۰۰۷:

۱. شهر مهدیه شهری ساحلی که در جنوب تونس واقع شده است و مرکز ولایت مهدیه و یکی از ۲۴ استان کشور تونس محسوب می‌شود.

۲. المدینة ذات الهلالین.

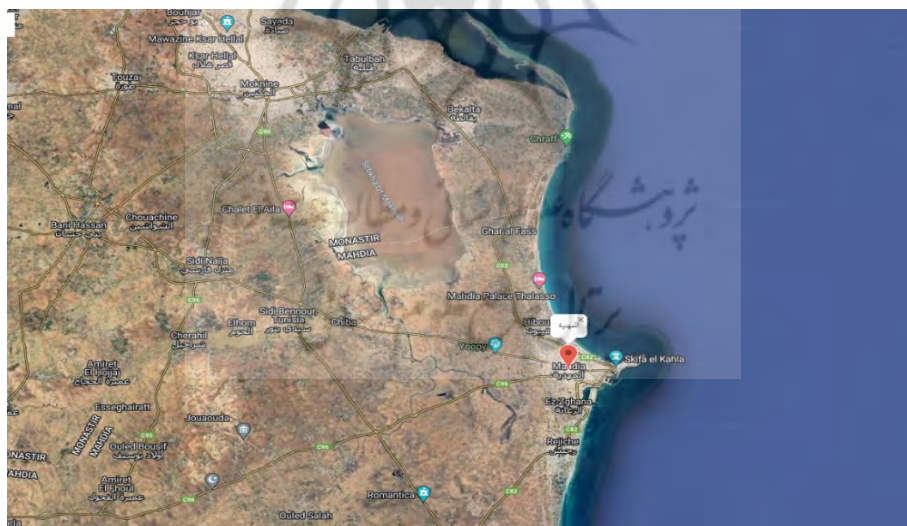
۱۳۵-۱۳۶؛ واکر، ۱۳۸۳: ۳۶) - و از سوی دیگر افزایش قدرت نیروی دریایی فاطمیان و تبدیل شدن به قدرت مسلط در بحر متوسط (دریای مدیترانه) و نیز استمرار تسلط بر صقلیه، در صد پی افکندن یک پایتخت ساحلی برآمده بود (ن.ک. به: Hamdani, 2006: 30). در واقع، دولت نوپای فاطمیان برای تحقق این اهداف، به پایگاه مستحکمی نیاز داشت که هم برای لشکرکشی‌های دریایی مناسب باشد و در عین حال، از آنجا بتواند بر امور افریقه و مغرب تسلط داشته باشد و سیاست‌های مربوط به شرق و مقابله با عباسیان را دنبال کند. با این اوصاف، تلاش برای پیشبرد این اهداف، از طریق بنیان‌گذاری شهری جدید پیش برده شد که به نوعی می‌تواند کنشی تمدنی در شرایط خاص و مخاطره‌آمیز دوره تأسیس دولت فاطمی در نظر گرفته شود.

سیاست توسعه‌طلبانه‌ای که المهدی برای دولت فاطمی در پیش گرفته بود (ن.ک. به: ابن‌هیثم، ۲۰۰۰: ۲؛ ابن‌خطیب، ۱۹۵۶: ۳۲؛ واکر، ۱۳۸۳: ۳۸؛ Hasan, 1948: 54-55)، اقتضا می‌کرد که پایتخت این دولت در عین فراهم کردن امکانات لازم برای پیگیری این سیاست، استحکامات دفاعی لازم برای شرایط بحرانی را نیز داشته باشد (ن.ک. به: دشراوی، ۱۹۹۴: ۲۳۵). همچنین برخوردار بودن از نیروی دریایی قدرتمند به ارث رسیده از اغلییان، ایجاب می‌کرد تا مرکزی با ویژگی‌های جغرافیایی-طبیعی المهدیه ایجاد شود و ظرفیت لازم برای دایر کردن دارالصناعة (کارخانه کشتی‌سازی) تحت نظارت مستقیم فرمانروای فاطمی را نیز داشته باشد (Talbi, 1986: v/1246). فاطمیان همچنین برای رقابت و مقابله با امویان اندلس نیازمند پایگاه دریایی قدرتمند بودند. المهدی با پیش رو داشتن چنین اهدافی، مدتی را برای یافتن مکانی مناسب در تونس و قرطاجنه برای ساختن چنین شهر و پایگاهی در قلمرو خود اختصاص داد و در نهایت، موضعی در ساحل مدیترانه، بین سوسه و صفاقس (تصویر شماره ۱) را که بدان «جزیره جمّه» گفته می‌شد (ابن‌عزازی، ۱۹۸۳: ۱۶۹/۱)، برای این مهم برگزید (ابن‌ابی‌دینار، ۱۲۸۶: ۵۴). جزیره جمّه به دلیل شکل اتصال آن به خشکی که «جزیره‌ای متصل به خشکی به مانند اتصال کف دست به ساعد» بود (مقریزی، ۱۹۹۱: ۵۶۲/۴)، علاوه بر اینکه اهداف مد نظر المهدی از بنای شهر-پایتخت دولت را تأمین می‌کرد، به دلیل شرایط خاص طبیعی و داشتن زمین و سواحل سنگی و ارتباط با خشکی صرفاً از یک سمت (از غرب)، امکان ایجاد استحکامات دفاعی برای آن را به شکلی مناسب فراهم می‌کرد. پیش از فاطمیان، از سواحل سنگی محلی که مهدیه در آنجا ساخته شد، کارتاژی‌ها و دریانوردان فنیقی^۱ به عنوان

1. Phoenician mariners

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۰۷

بندرهایی طبیعی برای توسعه تجارت و کشتی رانی استفاده می کردند (Halm, 1996: 215). در زمان بنای شهر مهدیه نیز هنوز ساکنان بومی آنجا عمدتاً کارتاژی^۱ و رومی بودند (Talbi, 1996: v/1246). نباید تمایل المهدی برای بنای یک شهر به نام خود و دولت نوپای فاطمی در مغرب به عنوان یادمان فتح و تأسیس دولت آل محمد (به زعم آنها) را فراموش کرد. نام شهر و نسبت آن به نخستین فرمانروای فاطمیان در افریقیه یعنی عبدالله المهدی (ن.ک. به: ابن حماد، ۱۴۰۱: ۴۱) می تواند قرینه ای بر این ادعا باشد. بنای شهری به نام بنیان گذار دولت فاطمی، بهترین وسیله برای تثبیت جایگاه دولت نوپای فاطمی در مغرب بود (ن.ک. به: زغلول، ۱۹۷۹: ۹۱/۳). در کنار اهداف سیاسی و نظامی، فاطمیان تلاش داشتند بارانداز مهمی در مسیر تجارت دریایی در بحر متوسط ایجاد کنند؛ تا جایی که کشتی های تجاری سواحل شرقی و جنوبی این دریا با اندلس و صقلیه و بالعکس ملزم به پهلو گرفتن در آن باشند (ن.ک. به: بکری، ۱۹۹۲: ۶۸۳/۲). علاوه بر اهمیت مبادلات تجاری با سرزمین های مجاور بحر متوسط، دعاوی جهان گشایانه فاطمیان، حضور در بحر متوسط با تکیه بر نیروی دریایی قدرتمند برای مقابله با بیزانس و دفاع از مغرب (ن.ک. به: زغلول، ۱۹۷۹: ۹۴/۳؛ Brett, 2001: 148) موجب تقویت بیش از پیش حضور مسلمانان در این دریا شد (ابن خلدون، ۱۴۰۱: ۳۱۵/۱؛ سالم و عبادی، ۱۹۶۹: ۱۲۹-۱۳۰، ۱۳۶-۱۴۳).



تصویر شماره ۱: موقعیت مکانی-جغرافیایی شهر مهدیه تاریخی

(<https://www.now-time.com/Googlemap/City1647-Mahdia.html>)

محدود بودن مهدیه به دریا از سه جهت و برخورداری از باروی مستحکم، امکان دفاع از شهر در شرایط بحرانی را به خوبی فراهم می‌کرد (واکر، ۱۳۸۳: ۳۴)؛ به‌ویژه آنکه هشت برج نگهبانی و دو دروازه برای شهر ساخته شد که درب‌های آهنین بزرگ آن علاوه بر استحکام زیاد، باشکوه و چشم‌نواز نیز بودند؛ تا جایی که برخی شاعران در وصف آن ابیاتی سروده‌اند.^۱ بنا بر گزارش‌های موجود، درب‌های این دروازه‌ها از ورق‌های مفرغی سه‌لایه ساخته شده بود که با مسماهایی مستحکم شده بودند. به دلیل وزن بسیار سنگین باز و بسته کردن این دروازه‌ها با کمک چندین نفر ممکن بود (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۹۴/۸؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲۳۰/۵؛ مقریزی، ۱۹۹۱: ۵۶۳/۴). برج و دروازه ورودی شهر موسوم به «باب الفتوح» بود که امروزه به «السقیفة الکهله» مشهور است و جزو آثار تاریخی مشهور شهر مهدیه کنونی و تونس محسوب می‌شود. طی شورش ابویزید نکاری در سال ۳۳۰ق، بیشتر نواحی افریقه (تونس) به‌جز مهدیه، به‌دست شورشیان افتاد (ابن‌حماد، ۱۴۰۱: ۵۶)؛ این مهم اهمیت استحکامات دفاعی شهر را به خوبی نشان می‌دهد (Abu-Nasr, 1987: 65). تلاش برای فراهم آوردن استحکامات شهر مهدیه، ظاهری شکوهمند به این شهر بخشیده بود؛ تا جایی که این مهم در نظر ناظران معاصر فاطمیان بازتاب یافته است. قاضی نعمان از سازه و بناهای شگفت‌انگیز این شهر و دروازه‌های آهنین مستحکم خبر داده که نظر هر بیننده‌ای را جلب می‌کرده است (قاضی نعمان، ۱۹۸۶: ۳۲۷-۳۲۸). مقدسی نیز موقعیت جغرافیایی قرار گرفتن شهر مهدیه و نیز معماری و بناهای این شهر و سورها و دروازه مستحکم آن را با قسطنطنیه مشابه دانسته و تأکید کرده است هر کشتی که خواستار دیدار پایتخت امپراتوری روم بوده است، می‌توانست بدون تحمل رنج سفر بدانجا، از شهر مهدیه دیدار کند (مقدسی، ۱۹۹۱: ۲۲۶). همچنین ابن‌حوقل که در سال ۳۳۶ق. در مهدیه بوده، توصیفی کوتاه اما جامع از آن ارائه داده است. براساس این توصیف، مهدیه شهری کوچک اما پررونق از نظر تجاری بود و ساختمان‌های استوار، سوری سنگی با دو دروازه کم‌نظیر داشته است. در این گزارش، از تأسیسات شهری و ویژگی‌های مطلوب شهر سخن رانده شده است (ابن‌حوقل، ۱۹۹۲: ۷۳). طراحی و سازماندهی شهری و تأسیسات و نهادهای مهدیه، تا بدان حد مطلوب و متناسب بود که گفته می‌شود در بنای شهر قاهره از آن الگو الهام گرفته شد (Jiwa, 2018: 42). با توجه به توصیف‌ها و نیز دقت نظرها و تلاش‌های همه‌جانبه‌ای که برای بنای شهری مستحکم صورت گرفته بود، می‌توان از منظر شهرسازی،

۱. از جمله می‌توان به این شعر ابن‌حبوس اشاره کرد که: «باب حدید و أبراج ثمانية / تسخر العقل فیه ای تسخیر» (ابن‌حماد، ۱۴۰۱: ۴۲).

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۰۹

بنای مهدیه توسط فاطمیان را تجربه‌ای خاص و متفاوت در تاریخ شهرسازی مسلمانان در مغرب به شمار آورد.

سازماندهی و حیات شهری مهدیه

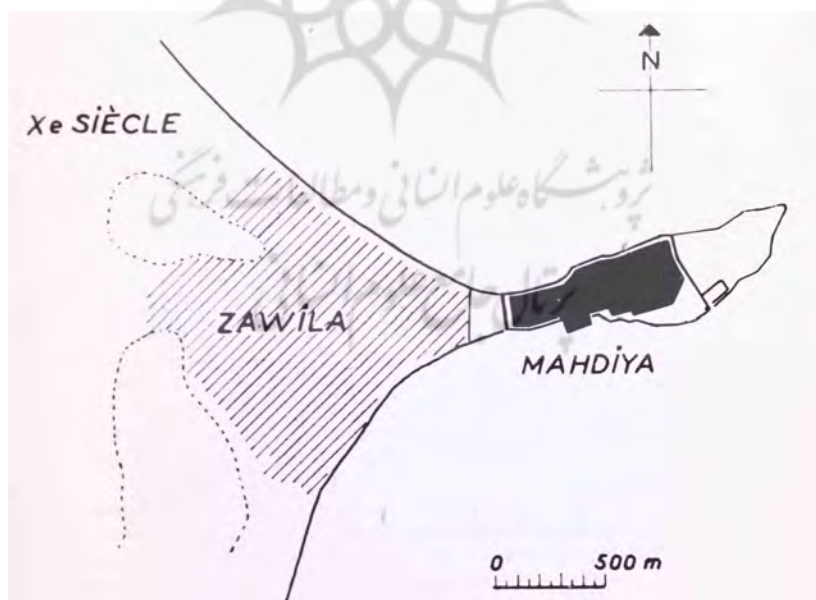
با استقرار المهدی در مهدیه در سال ۳۰۸ق، این شهر عملاً به پایتخت دولت تازه تأسیس تبدیل شد (بکری، ۱۹۹۲: ۶۸۳/۲؛ ابن حماد، ۱۴۰۱: ۴۱؛ ابن عذاری، ۱۹۸۳: ۱۸۴/۱). بنا بر سنت و شیوه مرسوم شهرسازی بین مسلمانان و بنا بر طرحی که برای شهر در نظر گرفته شده بود و در قالب بناهای نخستین آن نمودار شد، قصری برای سکونت خاندان فرمانروا و امام/خلیفه فاطمی ساخته شد (ابن حماد، ۱۴۰۱: ۴۱). قصر فرمانروا در مرکز شهر قرار گرفته بود و در جوار آن قصر ابوالقاسم القائم یعنی ولیعهد قرار داشت و بین این دو قصر میدانی بزرگ (تصویر شماره ۲) قرار گرفته بود (بکری، ۱۹۹۲: ۶۸۳/۲). بنای دو قصر در مقابل هم در مرکز شهر -که برای اولین بار در شهر مهدیه اجرا شد- به صورت الگویی درآمد که در بنای قاهره از آن استفاده شد (Brett, 2001: 326). علاوه بر این دو بنای مهم، خانه‌هایی برای بزرگان دولت نیز ساخته شد (ابن عذاری، ۱۹۸۳: ۱۸۴/۱). در مقابل این دو قصر و در جانب غربی آنها، مسجد جامع شهر قرار گرفته بود. بازارهای شهر مهدیه نیز در جوار مسجد جامع قرار داشتند که مجموعه‌ای از دکان‌های پیشه‌وران، تاجران و صاحبان حرف و به صورت مجرا از هم بودند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲۳۱/۵). مصلاهی شهر نیز بیرون سور غربی شهر قرار داشت (زغلول، ۱۹۷۹: ۹۸/۳). علاوه بر بنای آب‌انبارهایی برای ذخیره‌سازی آب مشروب، مخازن (سیلوه‌ای) ذخیره گندم نیز به صورت سرداب و به شکل گودال‌هایی بر دل زمین ساخته شد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۹۵/۸)؛ به دلیل صخره‌ای بودن زمین مهدیه و دشواری کندن زمین، آب‌انبارهای جامع شهر به صورت برج ساخته شده بودند (بلوم و بلر، ۱۳۹۷: ۴۴۳/۱).



تصویر شماره ۲: تصویر بازسازی شده از شهر مهدیه عهد فاطمی از نمای دور (Jiwa, 2018: 42)

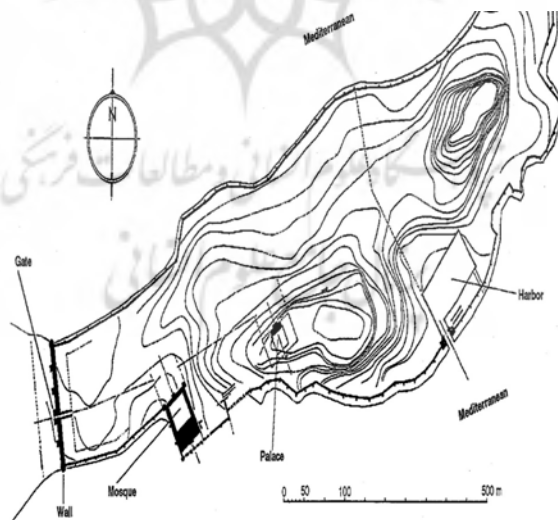
طراحی و بنای مهدیه و تأسیسات و امکانات اداری، نظامی و اقتصادی آن یکی از نمونه‌های جالب توجه شهرسازی و مهندسی شهری در دوره فاطمیان است. علاوه بر اینکه در مهدیه قصر و دارالملکی برای خاندان حاکمه ساخته شده بود (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۹۵/۸)، در ساحل جنوبی و سمت شرق شهر و در اراضی ساحلی سنگی آن، بندر و لنگرگاهی ساخته شد که ظرفیت پهلوگیری سی کشتی به صورت همزمان در آن وجود داشت. در ورودی این بندر و دو سوی آن، دو برج (دیدبانی) ساخته شده بود که با زنجیری بزرگ به هم وصل می‌شدند و به وسیله این زنجیر، علاوه بر اینکه ورود و خروج کشتی‌ها به بندرگاه در طول روز تنظیم می‌شد، از آن به مثابه وسیله‌ای دفاعی برای ممانعت از حملات نظامی شبانه بدان‌جا و ورود کشتی‌های نظامی و مهاجم بیزانسی استفاده می‌شد (زغلول، ۱۹۷۹: ۹۶/۳). دارالصناعه شهر مهدیه در شرق قصر المهدی قرار داشت (بکری، ۱۹۹۲: ۶۸۳/۲) و ظرفیت آن تولید حدود یکصد کشتی از نوع الشّینی (کشتی‌های بزرگ جنگی) گزارش شده است (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۹۵-۹۴/۸). مهدیه در سایه بندرگاه خود، به بارانداز مهم دریای مدیترانه و محل تردد کشتی‌های اسکندریه، شام، صقلیه، اندلس و سایر نواحی مجاور دریای مدیترانه تبدیل شده بود (بکری، ۱۹۹۲: ۶۸۳/۲)؛ به همین دلیل مهدیه خیلی زود به مرکز تجاری مهمی در منطقه تبدیل

شد و حتی از قیروان -مهم ترین مرکز و شهر تجاری در آفریقا- پیشی گرفت (Bloom, 1985: 21-22). نکته قابل توجه دیگر درباره شهر مهدیه این است که بنا بر شیوه بنای شهرهای سلطنتی-حکومتی مرسوم در آفریقه (مانند بنای شهرها و در اصل شهرک های عباسیه و رقاده در حومه قیروان) و نیز با توجه به اینکه از نظر فضای فیزیکی شبه جزیره-شهر مهدیه ظرفیت گنجایش بنای خانه هایی برای افراد پرشمار همانند شهرهای بزرگ و پایتخت را نداشت، در بیرون سورهای غربی مهدیه و به فاصله اندکی از آن و در منطقه ای که به زوئله (زَوَيْلَة یا «زویله المهدیه») مشهور بود، خانه های مردم عادی و نیز اصناف و صاحبان دکان ها و دیگر مردم ساکن این نواحی ساخته شد (تصویر شماره ۳). در واقع، مردمان عادی در طول روز برای انجام فعالیت های تجاری و دیگر کارهای مربوطه، وارد منطقه محصور یا همان مهدیه می شدند و در پایان روز به زویله و به خانه هایشان بازمی گشتند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۶۰/۳). گفتنی است این مهم موجب شده است این تصور پیش آید که المهدی به دلیل مسائل امنیتی و عدم اعتماد به جان خود و هیئت حاکمه، به این شکل متاجر و اموال مردم را در گرو حاکمیت نگه می داشت (زغلول، ۱۹۷۹: ۱۰۰/۳). اگرچه این تصور دور از ذهن نیست، اما به نظر می رسد مهم ترین دلیل برای این کار، همان محدودیت فضای فیزیکی شبه جزیره مهدیه بود و امکان گنجایش خانه های عموم مردم در آنجا وجود نداشت.



تصویر شماره ۳: موقعیت مهدیه و زوئله (Lézine, 1968: 7)

یکی از مهم‌ترین بناهای مهدیه و مهم‌ترین اثر بر جای مانده از دوره حضور فاطمیان، مسجد جامع شهر، واقع در جنوب آن است که بنای آن در سال ۳۰۳ ق. آغاز شده بود. این جامع نقشه‌ای به شکل T دارد و رواق آن گرداگرد صحن جامع را دربر گرفته و درحالی‌که سه جهت آن را رواق‌هایی فرا گرفته، در سمت رو به قبله (قبلی) آن نیز شبستان جامع قرار گرفته است (بلوم و بلر، ۱۳۹۷: ۴۴۲/۱). همچنین در بنای جامع مهدیه از طاق‌های بیزانسی و ایوان‌های ایرانی استفاده شده است (مارسیه، ۲۰۱۶: ۱۱۲). یکی دیگر از تأسیسات بسیار مهم شهر مهدیه، دارالصناعه بزرگی بود که برای ساختن کشتی‌های مورد نیاز نیروی دریایی فاطمیان تأسیس شده بود. برخی ناظران با توجه به شکوه و بزرگی‌اش، از آن با تعبیر تحسین‌برانگیز «از عجایب دنیا» یاد کرده‌اند (تیجانی، ۱۹۸۱: ۳۲۲-۳۲۳). مهدیه با سوره‌های مستحکم خود به ضخامت حدود هشت متر و سی سانتی‌متر که از یک سو به دریا نیز محدود می‌شد، به صورت پناهگاه بسیار امنی درآمده بود. باروی عریض شهر و دروازه ورودی آن از یک مسیر گذری باریک، با یک دیوار خارجی دربر گرفته شده بود. دروازه ورودی شهر دربی آهنین داشت که بر روی آن تصویر شیرهایی برنزی نقش بسته بود و بر بالای این دروازه (موسوم به باب زویله) هشتی مسقفی به طول ۳۵ متر و با ارتفاع ۵ متر و ۱۰ سانتی‌متر قرار داشت که به «السقیفة الکحلة» مشهور بود (Talbi, 1986: v/1246).



تصویر شماره ۴: طرح و نقشه شهر المهدیه (Halm, 1996: 217)

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۱۳

با وجود اینکه از سال ۳۳۷ق. شهر منصوریه پایتخت فاطمیان محسوب می‌شد، اما مهدیه جایگاه و اهمیت خود را به عنوان پایگاه اصلی کشتی‌سازی (دارالصناعة)، تجهیز و اعزام نیروی دریایی (اسطول) فاطمیان برای جنگ‌ها و فتوح دریایی حفظ کرد؛ تا جایی که المنصور در سال ۳۴۰ق. از آماده‌سازی و اعزام نیروی دریایی فاطمیان برای یورش به صقلیه و جزیره قلوریه بازدید کرد (ادریس عمادالدین، ۱۹۸۵: ۴۸۶-۴۸۷). با این اوصاف، از منظر تمدنی بنای شهر مهدیه از این نظر اهمیت دارد که فارغ از اهداف سیاسی و مذهبی، فاطمیان با پانهادن در عرصه شهرسازی و بنیان نهادن این شهر، به روند رشد تمدنی منطقه آفریقیه و مغرب یاری رساندند. همچنین بدون شک در تاریخ شهرسازی دوره اسلامی، با توجه به ویژگی‌ها و امتیازات خاص مهدیه، نمونه‌ای خاص و منحصر به فرد محسوب می‌شود.

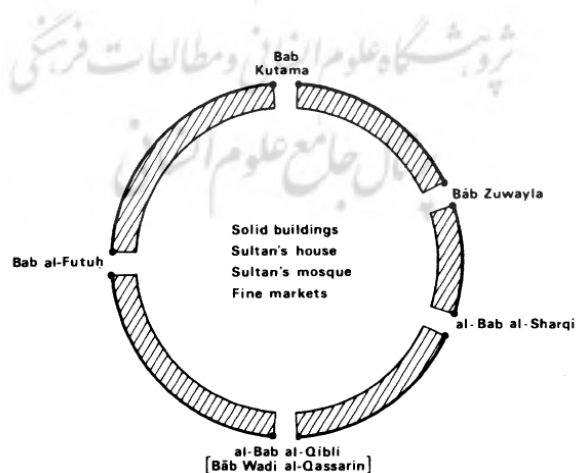
شهر مدور منصوریه: بغداد ثانی و پیش‌طرح قاهره

شهرسازی و عمران شهری فاطمیان در مغرب به شهر مهدیه محدود نشد. در دوره سومین فرمانروای فاطمی و در سال ۳۳۷ق. شهر دیگری در حومه صبره در جنوب قیروان و در شمال شهر رقاده بنا شد که به مناسبت نسبت آن با نام این خلیفه-امام فاطمی، به شهر «منصوریه»، «صبره» و «صبره المنصوریه»^۱ مشهور شد (بکری، ۱۹۹۲: ۶۷۶-۶۷۷؛ ادریس عمادالدین، ۱۹۸۵: ۴۸۹-۴۹۰؛ نیز ن.ک. به: قاضی نعمان، ۱۹۹۶: ۵۱؛ مقدسی، ۱۹۹۱: ۲۲۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴۹۸/۸؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۹/۳، ۵۲۱/۵). الگو و طرح شهری در نظر گرفته شده برای منصوریه، مشابه طرح اولیه بغداد دانسته می‌شود و در عین حال، طرح اولیه شهر قاهره که بعدها از نظر اهمیت و جایگاه تاریخی و تمدنی به شهری هم‌پایه و هم‌سطح بغداد تبدیل شد، از منصوریه الگوبرداری شده بود. دلیل بنای شهر جدید فاطمیان در آفریقیه، قطع شدن پیروزی بر شورشیان خارجی پیرو «ابویزید مخلدبن کیداد نکاری» صاحب حمار، در این محل در سال ۳۳۶ق. بیان شده است (ن.ک. به: ابن حوقل، ۱۹۹۲: ۷۳-۷۴). شهر منصوریه و بنای آن از منظر تاریخی و تمدنی از سه بُعد حائز اهمیت است؛ بنای این شهر بعد از پیروزی بر قیام صاحب حمار صورت گرفت و می‌توان آن را به عنوان یادمانی برای این فتح و پیروزی که دولت فاطمیان را تا مرز سقوط پیش برد (ن.ک. به: جوذری، ۱۹۵۴: ۴۸-۵۱؛ ابن عذاری، ۱۹۸۳: ۲۲۰/۱؛ ادریس عمادالدین، ۱۹۸۵: ۳۰۷ به بعد؛ مقریزی، ۱۴۱۶: ۸۵/۱)، در نظر گرفت. با ورود

۱. گاهی نام شهر به صورت المنصوره یا صبره المنصوره نیز بیان شده است (برای نمونه، ن.ک. به: الحمرونی، ۲۰۰۹: ۱۱۹-۱۲۰).

و سکونت المنصور به همراه طرفداران کتنامه‌ای وی به منصوریه، این شهر عملاً پایتخت فاطمیان دانسته شد (۱۹ شوال ۳۳۷) و پس از مدت کوتاهی در مسیر توسعه قرار گرفت (Dachraoui, 1991: vi/435; Talbi, 1995: viii/688). نکته جالب توجه دیگر درباره این شهر اینکه برخلاف مهدیه که در بنای آن رویکرد تدافعی فاطمیان بیشتر مد نظر قرار می‌گیرد، بنای منصوریه بیشتر معطوف به فتح و پیروزی ارزیابی می‌شود (ن.ک. به: زغلول، ۱۹۷۹: ۲۰۱/۳). علاوه بر آن، بنای این شهر نشان می‌دهد که به‌رغم لطمات سیاسی و اقتصادی ناشی از دوران شورش، دولت فاطمیان تا بدان حد از نظر مالی و اقتصادی توانمند بود که شرایط لازم برای انجام فعل تمدنی مهمی مانند شهرسازی را داشت. با این اوصاف، شهر منصوریه از سال ۳۳۷ تا ۳۶۲ق. و عزیمت المعز لدین‌الله به مصر، پایتخت فاطمیان در مغرب و مرکز دعوت اسماعیلی بود (ادریس عمادالدین، ۱۹۸۵: ۵۰۱)؛ درحالی‌که از نظر تجاری و اقتصادی نیز جایگاه مهمی در قلمرو فاطمی در این مقطع پیدا کرده بود (ن.ک. به: جوذری، ۱۹۵۴: ۱۱۶؛ دشراوی، ۱۹۹۴: ۳۲۲-۳۲۳). همچنین منصوریه نمونه اولیه شهر قاهره دانسته می‌شود که بعد از فتح مصر ساخته شد (Creswell, 1976: 1/21).

طرح شهر منصوریه مانند طرح اولیه شهر بغداد مدور بود (تصویر شماره ۵) و گرد آن حصاری خشتی به همراه استحکامات لازم دفاعی در نظر گرفته شد و در جهات اربعه چهار دروازه مجزا برای آن بنا گردید (Jiwa, 2018: 67). مقدسی نیز به شباهت طرح منصوریه به بغداد اشاره کرده و گفته است به مانند بغداد، قصر خلیفه در وسط شهر قرار گرفته بود (مقدسی، ۱۹۹۱: ۲۲۶).



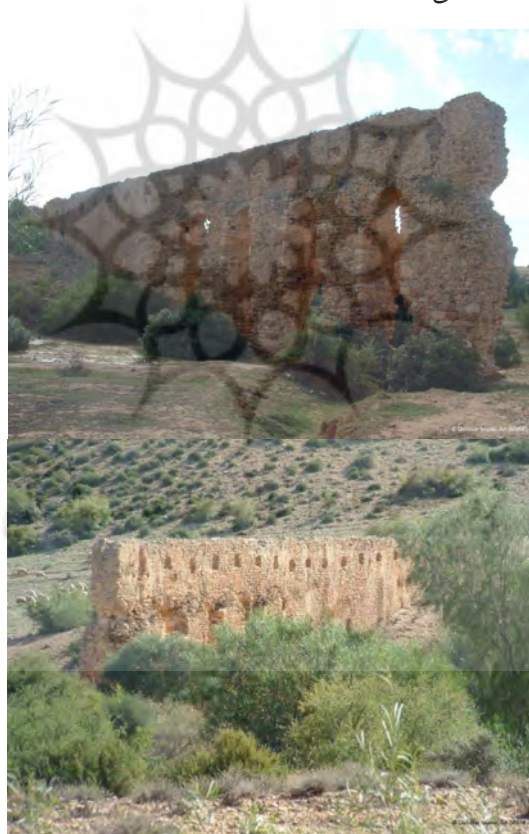
نقشه شماره ۵: طرح فرضی شهر منصوریه (Bloom, 1985: 28)

علاوه بر مرکزیت سیاسی دولت فاطمی، بازارهای قیروان و جمیع صناعات و اهل حرف نیز به منصوریه منتقل شدند (بکری، ۱۹۹۲: ۶۷۶/۲-۶۷۷). برای شهر منصوریه چهار و بنا بر گزارشی پنج دروازه ساخته شده بود که عبارت بود از: دروازه قبلی (دروازه جنوبی)؛ دروازه شرقی؛ دروازه زویله؛ دروازه کتامة (دروازه شمالی)؛ و دروازه فتح (دروازه غربی) که مختص ورود و خروج سپاه بود (بکری، ۱۹۹۲: ۶۷۶/۲-۶۷۷؛ ابن حماد، ۱۴۰۱: ۶۱). ظاهراً دو دروازه زویله و الفتوح مهم‌ترین دروازه‌های شهر محسوب می‌شدند (Brett, 2011: 326). هر یک از دروازه‌های منصوریه درب آهنینی داشتند و عایدی هر یک از این دروازه‌ها حدود ۲۶ هزار درهم در روز برآورد شده است (مقدسی، ۱۹۹۱: ۲۲۶؛ بکری، ۱۹۹۲: ۶۷۷/۲). به احتمال زیاد شهر منصوریه دو خیابان اصلی داشت که حدوداً در مرکز شهر و در محل مسجد جامع شهر به همدیگر می‌رسیدند. در نزدیکی جامع منصوریه، قصر فرمانروایی قرار داشت و ظاهراً گرد این قصر کانالی کشیده شده بود که به تعبیر قاضی نعمان، به مانند قصری در میانه دریا به نظر می‌رسید (ن.ک. به: قاضی نعمان، ۱۹۹۶: ۳۲۶). همچنین در جوار مسجد جامع و قصر، بازارهای تجاری قرار گرفته بودند (زغلول، ۱۹۷۹: ۳-۲۰۲-۲۰۳). بازار شهر منصوریه نقش زیادی در ارتقای اهمیت شهر و رونق اقتصادی آن ایفا کرد (دعمی و محسن، ۲۰۱۷: ۳۵۱). المنصور درصدد بود منصوریه را به صورت بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر قلمرو فاطمیان درآورد. بر این اساس، تمهیدات لازم برای بنای شهری بزرگ در نظر گرفته شد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲۳۱/۵). بدین ترتیب، یک بار دیگر واکنشی تمدنی در قبال یک شورش فراگیر و خانمان‌سوز از سوی فاطمیان نشان داده شد. بنا بر برخی گزارش‌های تاریخی، شمار خانه‌هایی که در شهر منصوریه ساخته شده بود، حدود چهارده‌هزار خانه بود که تعداد زیادی از آنها به قبیله کتامة اختصاص داشت (ادریس عمادالدین، ۱۹۸۵: ۴۶۷). شهر منصوریه با توجه به ساخته شدن بناهای مختلف در آن، پس از مدت کوتاهی به شهری بزرگ مانند قیروان تبدیل شد (Ali, 1999: 129). تلاش فاطمیان برای توسعه و افزایش شکوه شهر منصوریه، در نتیجه رقابت آنها با امویان اندلس به‌ویژه مدینه‌الزهراء -در حومه قرطبه- نیز دانسته می‌شود که توسط عبدالرحمن سوم ساخته شده بود (Anderson and Pruitt, 2017: 1/277). بر همین اساس، برخی ناظران از زیبایی بی‌مانند شهر سخن به میان آورده‌اند (مقدسی، ۱۹۹۱: ۲۲۶).

منصوریه مرکز سیاسی، فرهنگی و اقتصادی افریقیه

در دوره خلافت المعز لدین‌الله، منصوریه بیش از پیش توسعه و گسترش یافت و به بناها و ساختمان‌های شهر افزوده شد و قصرها، تأسیسات شهری و خدماتی جدیدی نیز ساخته شد.

قصر الایوان از جمله این بناها بود و تالارها و قسمت‌های مختلف آن عبارت از کافور، تاج، ریحان و فضا بود. قصر الخلافة و قصر خورنق از قصرهای دیگر شهر منصوریه بود. همچنین بناهای مختلف رفاهی، خیریه و عام‌المنفعه در این شهر ساخته شده بود (ابن حماد، ۱۴۰۱: ۶۱). برای تأمین نیاز ساکنان منصوریه به آب، با وجود همه موانع و دشواری‌هایی مانند دوری مسیر و فقدان مصالح لازم برای انتقال و هدایت آب به شهر، ترعه و آبراه بزرگی از کوه‌های مجاور به منصوریه کشیده شد (تصویر شماره ۶ و ۷) که جوی‌های فرعی از آن منشعب می‌شد (قاضی نعمان، ۱۹۹۶: ۳۳۲؛ زغلول، ۱۹۷۹: ۲۰۳/۳). بنا بر گزارش مقدسی، علاوه بر شهر منصوریه، ساکنان شهر قیروان نیز از آبراه کشیده شده به این شهر، برای تأمین آب مشروب شهر استفاده می‌کردند (مقدسی، ۱۹۹۱: ۲۲۵).



تصاویر شماره ۶ و ۷: پل فاطمی (القنطرة الفاطمی/Fatimid Aqueduct). بقایای پروژه آب‌رسانی

فاطمیان به منصوریه و قیروان

(https://islamicart.museumwnf.org/database_item.php?id=monument;ISL; tn;Mon01;20;ar&pageD=N)

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۱۷

با توجه به پایتخت بودن منصوریه، نهادها، دیوان‌ها و ادارات حکومتی نیز به این شهر منتقل شدند (برای تفصیل ن.ک. به: دهمی و محسن، ۲۰۱۷: ۳۵۴-۳۵۸). برای رونق بخشیدن به فعالیت‌های علمی-فرهنگی در منصوریه، کتابخانه‌ای تأسیس شد و علاوه بر برگزاری مجالس الحکمة (قاضی نعمان، ۱۹۹۶: ۳۸۶؛ فضلی، ۱۴۰۱: ۱۳۷-۱۴۱)، شهر به مرکزی برای برگزاری محافل و جلسات علمی و ادبی با حضور افراد و علما تبدیل شد (ن.ک. به: ذهبی، ۱۴۱۴: ۱۵۹-۱۵۷/۱۵؛ دهمی و محسن، ۲۰۱۷: ۳۵۸). در محیط علمی و فرهنگی شهر منصوریه و با حمایت المعز لدین الله، شخصیتی مانند قاضی نعمان توانست بسیاری از آثار برجسته دربارهٔ باورها و عقاید اسماعیلیه را تألیف کند (ن.ک. به: Hamdani, 2006: 50) و بدین ترتیب، یکی از مهم‌ترین نقاط عطف مربوط به ادبیات و تألیفات عقیدتی و مذهبی مرتبط با مذهب اسماعیلیه و به‌طور کلی اندیشه‌های مذهبی در تاریخ فرق اسلامی در این شهر تحقق یافت. در واقع، می‌توان گفت پیش از آنکه قاهره به مرکز مهم فرهنگی-تمدنی دورهٔ فاطمیان تبدیل شود، این مهم در شهر منصوریه آغاز شد و مورد توجه علما و طالبان علم بود (یزدانی و گروه مطالعات غرب جهان اسلام، ۱۴۰۰: ۲۹/۲۹۵). در پرتو ثروت فراوانی که در نتیجه فتوح دورهٔ المعز لدین الله و فعالیت‌های تجاری و اقتصادی فاطمیان، از جمله تسلط بر مسیرهای تجارت طلا از صحرا، در منصوریه گرد آمده بود، این مهم در شکوفایی و رونق حیات و جامعهٔ شهری منصوریه در اواخر دوره فاطمیان در مغرب تأثیر زیادی داشته است؛ به همین دلیل گفته می‌شود که در اواخر دورهٔ حضور فاطمیان در مغرب، منصوریه شهری شکوفا در اکثر وجوه و زمینه‌ها بود (دهمی و محسن، ۲۰۱۷: ۳۵۹) و بعد از فاطمیان نیز همچنان مرکزیت آن به عنوان محل استقرار والیان افریقیه ادامه یافت (ابن عبدالمنعم حمیری، ۱۹۸۴: ۳۵۴) و سپس در مسیر ویرانی قرار گرفت (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۳۹۱-۳۹۲، ۲۱۳/۵). بعد از آنکه فاطمیان صبره المنصوریه را ترک کردند، تا مدتی شهر همچنان جایگاه خود را حفظ کرد و به سرعت در مسیر انحطاط قرار نگرفت و احتمالاً تا زمان یورش اعراب هلالی و تا حدود سال ۴۴۹ق. شهری آباد بود (Denoix, 2008: 1/128; Talbi, 1995: viii/689).

نتیجه‌گیری

در ارزیابی فعالیت‌های شهرسازی و عمران شهری فاطمیان در مغرب، با اساس قرار دادن دو شهری که آنها را در افریقیه بنا نهادند، می‌توان گفت با وجود آنکه شهرهای مغربی فاطمیان، یعنی مهدیه و منصوریه در آن زمان در قامت مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شهرهای مغرب و یا احیاناً

جهان اسلام نمودار نشدند، اما در دوره زمانی حدود ۶۵ سال، دو شهر مختلف در افریقه توسط آنها پایه‌گذاری شد که بعد از این دوره نیز به حیات خود ادامه دادند و چه‌بسا اگر فتح مصر و انتقال مرکز دولت فاطمیان به قاهره صورت نمی‌گرفت، این شهرها به روند رشد خود ادامه می‌دادند و به شهرهای سطح اول آن روزگار نزدیک می‌شدند. با این اوصاف، براساس گزارش‌های منابع، یکی از مهم‌ترین وجوه تفاوت بین دو شهر مهدیه و منصوریه این است که اگر مهدیه به واسطه تمهیدات دفاعی و نوع بناها و تأسیسات دفاعی و تهاجمی آن بیشتر مرکزیت و شهرت سیاسی و نظامی پیدا کرده بود، در مقابل منصوریه با داشتن محیط شهری کامل‌تر، اقتصاد پررونق و شکوفا و محیط فرهنگی و تمدنی پویا مشهور شده بود. با این اوصاف، همین پایه‌گذاری و آبادانی این دو شهر -هرچند کوچک در آن زمان- با توجه به امتیازات و ویژگی‌های آنها، به‌ویژه شهر مهدیه، خود اقدامات و گام‌های مهمی در عرصه تمدن‌سازی محسوب می‌شوند و نشان‌دهنده این مهم می‌تواند باشد که حضور هرچند کوتاه‌مدت فاطمیان در مغرب و با وجود همه مشکلات و چالش‌های مختلفی که با آن روبه‌رو بودند، برخلاف برخی تحلیل‌هایی که از این دوره با تعبیر عصر طوفان‌ها برای مغرب اسلامی یاد می‌کنند، دوره فاطمیان از منظر تمدنی مرحله و مقطع موفق‌تری بوده است و بنای دو شهر مهدیه و منصوریه شاهد و دلیل مهمی بر این مهم می‌تواند باشد.

منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

- ابن‌ابی‌الدینار، محمدبن ابی‌القاسم الرعینی القيروانی (۱۲۸۶)، *المونس فی اخبار افریقه و تونس*، تونس: مطبعة الدولة التونسية.
- ابن‌أبی‌زرع الفاسی، ابوالحسن علی (۱۸۴۳)، *أنیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس*، تصحیح کارل یوجن توروبنرغ، اوبسالة: دار الطباعة المدرسیة.
- ابن‌الاثیر، عزالدین ابوالحسن (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۸، بیروت: دار صادر-دار بیروت.
- ابن‌حماد، ابو عبدالله محمد بن علی (۱۴۰۱)، *اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم*، تحقیق و دراسة التهامی نقره و عبدالحلیم عویس، القاهرة: دار الصحوة.
- ابن‌حوقل النصیبی، ابو القاسم (۱۹۹۲)، *صورة الارض*، بیروت: منشورات دار مکتبة الحیاة.
- ابن‌خطیب، لسان‌الدین (۱۹۵۶)، *اعمال الأعلام فی من بویع قبل الاحتلام من ملوک الاسلام*، تحقیق و تعليق إ. لیفی برفنسال، بیروت: دار المکتشفة.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۴۰۱)، *تاریخ ابن‌خلدون*، تحقیق خلیل شحادة و سهیل زکار، ج ۱، ۴، بیروت:

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۱۹

دار الفکر للطباعة و النشر و التوزيع.

ابن عذاری، احمد بن محمد (۱۹۸۳)، *البيان المُعرب في اخبار الأندلس و المغرب*، تحقیق ج. س. کولان و لیفی بروفسال، ج ۱، بیروت: دار الثقافة.

ابن هیثم، جعفر بن احمد (۲۰۰۰). *کتاب المناظرات*، چاپ شده به مشخصات:

The Advent of the Fatimids: A Contemporary Shi'i Witness [Ibn al-Haytham's Kitdbal-Mundzarat], edited and translated by Wilferd Madelung and Paul E. Walker, I.B.Tauris Publishers, London-New York: The Institute of Ismaili studies.

یدریس عمادالدین (۱۹۸۵)، *تاریخ الخلفاء الفاطمیین فی المغرب القسم الخاص من عیون الأخبار*، تحقیق محمد البعلوی، بیروت: دار الغرب الاسلامی.

بکری، ابوعبید عبدالله (۱۹۹۲)، *المسالك و الممالک، حقه و قدم له ادریان فان لیوفن و اندری فیری*، ج ۲، بیروت: دار الغرب الاسلامی.

بلاذری، أبو الحسن (۱۹۹۸)، *فتوح البلدان*، بیروت: منشورات الهلال.

بلوم، جانانان و شیلا بلر (۱۳۹۷)، «معماری روزگار فاطمیان و معاصرانشان در یمن، شام، جزیره، سواد»، *مجموعه هنر در تمدن اسلامی؛ معماری*، زیر نظر مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: سمت.

پروین، نادر و فرهاد پروانه (پاییز ۱۳۹۸)، «نقش ادریسیان در توسعه یکجانشینی، شهرسازی و شهرنشینی در شمال آفریقا»، *شیعه شناسی*، شماره ۶۷، صص ۹۵-۱۲۰.

تیجانی، أبو محمد عبدالله (۱۹۸۱)، *رحلة التیجانی*، قدم لها حسن حُسنی عبدالوهاب، تونس: دار العربیة للکتاب.

جان احمدی، فاطمه و آرمین دخت امین (پاییز ۱۳۹۷)، «عوامل جغرافیایی و سیاسی مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت ادریسیان در فاس»، *تاریخ اسلام*، شماره ۳۸، صص ۷-۴۴.

جوذکی، حجت‌الله (بهار ۱۳۷۶)، «نیاز فاطمیان به ساختن مهدیه»، *نامه پژوهش*، شماره ۴، صص ۱۲۱-۱۳۰.

جوذری، ابوعلی منصور العزیزی (۱۹۵۴)، *سيرة الأستاذ جَوذَر و به تویقعات الأئمة الفاطمیین*، تقدیم و تحقیق محمد کامل حسین و محمد عبدالهادی شعیره، القاهرة: دار الفکر العربی.

الحمرونی، أحمد (۲۰۰۹)، *أقليم القيروان مدائن و معالم و مواضع*، تونس: نشر مدياکوم.

حمیری، محمد بن عبدالمنعم (۱۹۸۴)، *الروض المعطار فی خبر الأقطار*، بیروت: مکتبه لبنان.

دشراوی، فرحات (۱۹۹۴)، *الخلافة الفاطمية بالمغرب (۲۹۶-۳۳۶هـ/۹۰۹-۹۷۵م)*؛ *التاریخ السیاسی و المؤسسات*، نقله إلى العربیة حمادی السّاحلی، بیروت: دار الغرب الإسلامی.

دعمی، غفران محمد و صلاح‌الدین محسن (۲۰۱۷)، «مدینه المنصوریة فی العصر الفاطمی»، *مجلة ابحاث میسان*، المجلد الثالث عشر، العدد السادس و العشرون، صص ۳۴۷-۳۶۶.

ذهبی، شمس‌الدین محمد (۱۴۱۴)، *سیر أعلام النبلاء*، تحقیق ابراهیم الزبیق، ج ۱۵، بیروت: مؤسسة

الرسالة.

زغلول عبدالحمید، سَعْد (۱۹۷۹)، *تاریخ المغرب العربی*، ج ۳، الاسكندرية: نشأه المعارف بالاسكندرية.
سالم، السيد عبدالعزيز و احمد مختار العبادی (۱۹۶۹)، *تاریخ البحرية الاسلامية في المغرب و الاندلس*،
بيروت: دار النهضة العربية.

سید، ایمن فؤاد (۲۰۰۷)، *الدولة الفاطمية في مصر تفسير جديد*، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
شهیدی پاک، محمدرضا (۱۴۰۰)، *دولت فاطمیان*، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
..... (۱۳۹۹)، *تاریخ تحلیلی مغرب*، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
فضلی، زینب (۱۴۰۱)، *موانع تاریخی گسترش مذهب اسماعیلی در مغرب عهد اسماعیلی*، تهران:
پژوهشکده تاریخ اسلام.

..... (بهار ۱۴۰۲)، «نسبت دوره فاطمیان و تاریخ تمدن اسلامی؛ تأملی نظری». *تاریخ و تمدن*
اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۴۲، صص ۶۳-۹۱.

قاضی نعمان، ابوحنيفة (۱۹۸۶)، *افتتاح الدعوة (رسالة في ظهور الدعوة العبيدية الفاطمية)*، تحقيق فرحات
الدشراوى، تونس: الشركة التونسية للتوزيع و الجزائر: ديوان المطبوعات الجامعة.
..... (۱۹۹۶)، *المجالس و المسيرات*، تحقيق الحبيب الفقى، ابراهيم شيوخ و محمد
يعلاوى، بيروت: دار المنتظر.

قیم، بهادر و مریم تاباق (زمستان ۱۳۹۸)، «نقش خاندان اغلبي در تحول شهرسازی و معماری اسلامی
در مغرب ادنی»، *تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران و اسلام*، شماره ۱، صص ۴۵-۶۲.
کونثو، پائولو (۱۳۸۴)، *تاریخ شهرسازی جهان اسلام*، ترجمه سعید تیزقلم زنوزی، تهران: وزارت مسکن
و شهرسازی.

گرابار، آگ (۱۳۹۰)، *شهر در جهان اسلام*. ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: نشر بصیرت.
مارسیه، جورج (۲۰۱۶)، *الفن الاسلامی*، ترجمه عبلة عبدالرزاق، القاهرة: طبع بالهيئة العامة لشئون المطابع
الميرية.

المقدسى، المعروف بالبشارى (۱۹۹۱)، *احسن التقاسيم في معرفة الاقاليم*، القاهرة: مكتبة المدبولي.
مقریزی، تقی الدین ابوالعباس (۱۹۹۱)، *المقفى الكبير*، تحقيق محمد اليعلاوى، ج ۴، بيروت: دار الغرب
الاسلامی.

..... (۱۴۱۶)، *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء*، تحقيق جمال الدين
الشيال، ج ۱، القاهرة: المجلس الأعلى للشئون الاسلامية.

مونس، حسین (۱۹۹۲)، *تاریخ المغرب و حضارته*، ج ۱، بيروت: العصر الحديث للنشر و التوزيع.
واکر، پل ای (۱۳۸۳)، *پژوهشی در یکی از امپراتوری های اسلامی، تاریخ فاطمیان و منابع آن*، ترجمه
فریدون بدره ای، تهران: فرزاد روز.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۲۱

یاقوت الحموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله (۱۹۹۵)، معجم البلدان، ج ۳، ۵، بیروت: دار صادر.
یزدانی، رضوان و گروه مطالعات غرب جهان اسلام (۱۴۰۰)، «صبره»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۹،
تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، صص ۲۹۴-۲۹۵.

ب. منابع لاتین

- Abu-Nasr, Jamil M. (1987), *A history of the Maghrib in the Islamic period*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Ali, Wijdan (1999), *The Arab contribution to Islamic art from the seventh to the fifteenth centuries*, Jordan: The Royal Society of the Fine Arab & Cairo: The American University in Cairo Press.
- Anderson, D. Glaire and Jennifer Pruitt (2017), "The Three Caliphates a Comparative Approach", *A companion to Islamic art and architecture*, dited by Finbarr Barry Flood and Gülru Necipoğlu, vol.1, pp.223-249, Hoboken: Wiley Blackwell.
- Bloom, Jonathan M. (1985), "The Origins of Fatimid Art", *Muqarnas*, vol. 3, pp. 20-38.
- Brett, Michael (2001), *The rise of the Fatimids: the world of the Mediterranean and the Middle East in the fourth century of the Hijra, tenth century CE*, Oxford and Leiden: E. J. Brill.
- Creswell, K. A. C. (1976), *The Muslim Architecture of Egypt*, NewYork: Hacker Art Books.
- Dachraoui, F. (1991), "al-Mansūr Bi'llāh", *EF²*, vol.vi, Leiden: E. J. Brill.
- Denoix, Sylvie (2008), "Founded Cities of the Arab World from the Seventh to the Eleventh Centuries", *The City in the Islamic World*, ed. Salma Khadra Jayyusi, Renata Holod etc, vol.1, Leiden-Boston: Brill.
- Hakim, Besim Selim (2010), *Arabic-Islamic Cilties Building and Planning Principles*, London and NewYork: Routledge.
- Halm, Heinz (1996), *The Empire of Mahdi: the rise of the fatimids*, translated from the German Michael Bonner, Leiden: E. J. Brill.
- Hamdani, Sumaiya A. (2006), *Between Revolution and State: the Pas to Fatimid statehood*, London-NewYork: I. B. Tauris Publishers and The Institute of Ismaili studies.
- Hasan, Ibrahim Hasan (1948), "Ralations between the Fatimids in North Africa and Egypt and the Umayyids in Spain during the 4th century A.H. (10th Century A.D)", *Bulletin of the Faculty of Arts*, vol.x, part II, pp.39-83.
<https://i.redd.it/bx8w58yok2m61.jpg>
https://islamicart.museumwnf.org/database_item.php?id=monument;ISL;tn;Mon01;20;ar&pageD=N
<https://www.now-time.com/Googlemap/City1647-Mahdia.html>
- Jiwa, Shainool (2018), *The Fatimids 1, The Rise of a Muslim Empire*, London-NewYork: I. B.Tauris Publishers and The Institute of Ismaili studies.
- Lézine, Alexandre(1968), *Mahdiyya*. Tunis: Sociéte Tunisienne de Diffusion.
- Talbi, M. (1986), "al-Mahdiyya", *EF²*, vol.v, Leiden: E. J. Brill.
- Talbi, M. (1995), "Šabra or al- Mansūriyya", *EF²*, vol.viii, Leiden: E. J. Brill.

List of sources with English handwriting

- Abu-Nasr, Jamil M. (1987), *A history of the Maghrib in the Islamic period*. Cambridge: Cambridge University Press.
- al-Bakrī, Abu 'Obayd ' Abd Allah (1992). *al-Masālik wa al-Mamālik*, edited by A. P. Van Leeuwen wa A. Ferre, Beirut: Dār al-Ġarb ul-Eslāmī.
- al-Balāḍorī, Abū al-Ḥasan (1998). *Fotūḥ ul-Boldān*, Beirut: Manšūrāt al-Hilāl.
- al-Ḍahabī, Šams ul-Dīn (1414). *Sīyar ul-A'lām ul-Nobalā'*, vol. 15, edited by Ebrahim al-Zaybaq. Beirut: Mo'asīseh al-rīsālah.
- al-Dami, Ghofran Mohammad wa Mohsen, Salah ul-Din (2017). "Madīnah al-Manšūrīyah fī al-'aṣr al-Fāṭimī", *Journal ' ebḥāṭ Mīsān*, vol. 13, no. 26.
- al-Hamruni, Ahmad (2009). 'Eglīm al-Qayrawān Madā'en wa Ma'ālīm wa Mawāzī'. Tunis: Našr Medyakūm.
- al-Ḥemyarī, Moḥammad b. 'Abd ul-Mon'em (1984). *al-Ravż al-Me'īār fī kabār al-'Aqtār*. Beirut: Maktabah Lebanon.
- Ali, Wijdan (1999). *The Arab contribution to Islamic art from the seventh to the fifteenth centuries*. Jordan: The Royal Society of the Fine Arab & Cairo: The American University in Cairo Pres.
- al-joḍarī, Abū 'Alī Maṣūr al-'Azīzī (1954). *Sīraht ul-'Ostāz joḍar wa behī toqī'āt al-'A'emmah al-Fāṭemīyīn*, taqḍīm va taḥqīq Moḥammad Kāmel Ḥossein wa Moḥammad 'Abd al-hadī Ša'īrah, al-Qāherah: Dār al-Fekr al-'Arabī.
- al-Maqḍasī, al-ma'rūf bī al-Baššārī (1991), *Aḥsan ul-Taqāsīm fī Ma'rīfaht ul-Aqālīm*. al-Qahereh: Maktabah ul- Madbūlī.
- al-Maqrīzī, Taqī ul-dīn (1416). 'Ette'az ul-Ḥonafā be al-'akbār ul-'a'emmah al-Fāṭimīyīn al-ḵolafā', edited by Jamal al-dīn Shayyal, al- Cairo: al-Majles al-'alā le al-šūn al-'Eslāmīyīyah.
- al-Maqrīzī, Taqī ul-dīn (1991). *al-Moqaffā al-Kabīr*. taḥqīq Moḥammad al-Yalāwī, Biyrūt: Dar al-Ġarb al-eslāmī.
- al-Qāḍī No'mān, Abu Ḥanīfa al- No'mān (1986). *Efūtāh ul-Da'wa (Risāla fī zuḥūr al-da'waht ul-'abīdīyah al-Fāṭimīyya)*, edited by Farhat Dachraoui, Tunis: al-Šerkah al-Tūnīsiya lī al-tuzī'. Algiers: diwān al-matbu'āt al-djāmi'a.
- al-Qāḍī No'mān, Abu Ḥanīfa al- No'mān (1996), *al-Majāles wa al-Mosāyīrāt*, edited by al-Habib al-Faḡi wa Moḥammad al-Yalawī, Beirut: Dār al-Montaẓer.
- al-Tījānī, 'Abū Moḥammad 'Abd al-Allāh, *Reḥlah al- Tījānī*, edited by Hasan Hosna Abd al-Vahhab, Tunis: Dār al-'Arabīyah līl-kītāb.
- Bloom, Jonathan va Beller, Shila (1397), "Architects of Rozgar Fatimian and Contemporaries in Yemen, Sham, Jazirah, Sawad", *A group of scholars in Islamic civilization*, edited by Mehrdad Qayyoomi Bidhendi, Tehran: Samt.
- Cumeo, Paolo (1384). *Storia dell urbanistica Il mondo islamico*. Translated by Saeid Tizghalam Zonuzi. Tehran: Vezārat-e maskan va Šahrsāzī.
- Dachraoui, Farhat (1994). *the Fatimid caliphate in Maghreb (296-365 A.H./909-975 A.D.)*, Translated into Arabic by Hammadi Al-Sahili, Beirut: Dār al-ġarb al- Eslāmī.
- Edrīs Edrīs 'Imād ul-Dīn (1985). *Ta'rik al-Ḵolafā al -Fā ṭimīyīn fī al -Ma ḡreb al-qesm al-ḵā ṣ men 'Oyūn al - ' Akbār* . edited by Moḥammad al-Yalawī, Beirut: Dār al-ġarb al-Eslāmī.
- Fazli, Zeinab, (1402). "The Fātimīd Period and the History of Islamic Civilization: A Theoretical Study". *Islamic History and Civilization*. vol. 19, n. 42.
- Fazli, Zeynab, Badkoubeh hazaveh ahmad, Bayat alī (1401). *an introduction to the geographical expansion of isma'ili school in Maghreb during Fatimid Era (297-362*

- AH). Tehran:Pažūheškade-e Tārīk-e Eslām.
- Grabar, Oleg (1390). *Islam faith people culture*. Translated by Mehrdad Vahdati. Tehran: Našr-e Bašīrat.
- Hojjatullah Judaki (1376). “The need of Fatimids to build Mahdiyeh”, *Nāme-ye Pažūheš*, no. 4, pp. 121-130.
<https://i.redd.it/bx8w58yok2m61.jpg>
https://islamicart.museumwnf.org/database_item.php?id=monument;ISL;tn;Mon01;20;ar&pageD=N
<https://www.now-time.com/Googlemap/City1647-Mahdia.html>
- Ibn Abī Dīnār, Mōḥammad al-Roʻaynī al-Qayrawānī (1286). *al-Moʻnes fī Aḵbār Ifrīqīya wa-Tūnes*, Tunis: Matbaʻa al-Dulah al-Tūnisīyah.
- Ibn Abī Zarʻ al-Fāsī, Abū al-Ḥasan ʻAlī (1843). *al-Anīs al-Moḡrib bi-Ravḍ al-qerṭās fī Aḵbār-e Molūk al-Maḡreb wa Taʻrīk Madīnat Fās*.
- Ibn al-Aḡr, Abū al-Ḥasan(1385). *al-Kāmel fī al-Tārīk*. Beirut: Dār šāder - Dār Beirut.
- Ibn al-Haytham (2000). *Kitdbal-Monaḡrāt: The Advent of the Fatimids: A Contemporary Shiʻi Witness*[Ibn al-Haytham's *Kitdbal-Mundzarat*], edited and translated by Wilferd Madelung and Paul E. Walker, I.B.Tauris Publishers, London-New York: The Institute of Ismaili studies.
- Ibn al-Kaṭīb, Lesān ul-dīn (1956). *ʻAmāl al-ʻAlām fī Man Būyeʻa Qabl al-Eḡtelām men Molūk ul-Islām*, ed. E. Levi-Provencal, Beirut, Dār al-Makšūfah.
- Ibn Ḥammād, Abū ʻAbd Allāh Moḥammad b. ʻAlī [1401]. *Aḵbār molūk Baʻ ʻUbayd wa Sīratohom*. Tahqīq wa derāsah al-Tahāmi Noqrah wa ʻAbd al-Ḥalīm ʻUways, al-Cairo: Dār al-Šaḥwah.
- Ibn Ḥawqal al-Našībī, Abū al-Aāsem (1992). *Šūrat ul-Ard*, Beirut: Manšūrāt dār Maktabaht ul-ḥayāh.
- Ibn ʻIdārī, Aḥmad b. Moḥammad (1983). *al-Bayān ul-Maḡrib fī Aḵbār ul-Andalus wa-al-Maḡrib*, edited by G. S. Colin & E. Levi-Provencal, Beirut: Dār al-Ṭīaqāfah.
- Ibn Kaldūn, ʻAbd al-Raḥmān (1401). *Tāʻrīk-e Ebn Kaldūn al-mosammā Dīwān-e al-Mobtadaʻ wa al-ḵabar fī ʻAyyām al-ʻArab wa al-Barbar wa Mīn ʻAšarahom Mīn dawī al-Sulṭān al-ʻAkbar*, edited by Khalīl Shahadah, Beirut: Dār al-Fīkr.
- Jan Ahmadi F, Amin A. Geographical and Political Factors Affecting Location of Idrisid Capital in Fes., *Islamic History*, no. 38, pp. 7-44.
- Marçais, Georges (2016). *al-Fan al-ʻEslāmī*. Translated by Ablah ʻAbd al-razzaq. Cairo: al-Maṭābeʻ al-Amīriyah.
- Moʻnes, Hossayn (1992). *Taʻrīk al-Maḡrib Wa Ḥaḍāratuhū*, Beirut: al-ʻAšr al-Ḥadī ṭ līl-Našr wa al-Tawzīʻ.
- Parwin, Nader and Parwne, Farhan (1398), “The Role of Idrisids in Developing Settlement And Urbanization in North Africa”, *Shiʻah Studies*, no. 67, pp. 95-120.
- Qayem, Bahador va Tabagh, Maryam(1398). “The role of the Aghlabids Dynasty in the evolution of urban planning and Islamic architecture in the Maghrib al-Adna.”, the history of city and urbanism in Iran and Islam, no. 1, pp. 45-62.
- Salem, Al-Sayed Abdel-Aziz and Al-Abadi, Ahmed Mokhtar (1969). *History of the Islamic Navy in Maghrib and Andalusia*. Beirut: Arab Renaissance House., Beirut: Dār al-Nīhzah.
- Sayyed, Ayman Fuad (2007). *he Fatimid state in Egypt, a new interpretation*. Cairo: Dār ul-Heyʻa al-Mešriyya al-ʻāmmah līl-kīṭāb.
- Shahidi pak, Mohammadreza (1399). *nalytical history of the Maghreb*. Qom: Markaz-e beyn al-melalī tarjome va našr-e al-Moštāfa.
- Shahidi pak, Mohammadreza (1400). *Fatimid government*. Qom: Markaz-e beyn al-melalī tarjome va našr-e al-Moštāfa.
- Walker, Paul E. (1383). *Exploring on Islamic empire: Fatimia history and its sources*.

Translated by Fereidoon Badrei, Tehran: Farzān-e Rūz.

Yāqūt al-Ḥemawī, Šahāb ul-Dīn Abū ‘Abd Allāh(1995), *Mo‘jam ul-Boldān* , Beirut: Dār al - Šādīr.

Yazdani, Rizvan and the Western Islamic World Studies Group (1400). “šabrah”. *Encyclopaedia of the World of Islam*. Vol. 29, pp. 294-295. Tehran: Bonyād-e Dāyerat al- M‘aref Eslāmī.

Zaḡlūl ‘Abd al-Ḥamīd, Sa‘d(1979). *History of the Arab Maghreb. Alexandria*. Naš‘a al-ma‘ārīf be *Alexandria*.



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)



Fatimid Cities of the Ifrīkiya: Evaluating the Achievements of the Fatimids in the urban development of Maghrib¹

Zeinab Fazli²

Received: 2023/05/10

Accepted: 2023/07/20

Abstract

Although in the study of urban planning of the Fatimid period, focuses on Cairo, the period of their direct presence in the Maghreb can be considered as one of the most important periods of urban planning in the history of the Islamic Maghreb, as well as the Fatimid period, during which the two cities of Mahdiyya and Manṣūriyya (Sabrah al-Mansuriya) were established. In this research, considering the method of historical study of Islamic cities, the Fatimid cities of the Maghreb, namely Mahdiyya and Manṣūriyya, have been investigated. According to the findings of this research, the city of Mahdiyya, the first Fatimid city in the Maghrib, was built in a historically sensitive and dangerous situation for the Fatimid, which was a kind of civilizational reaction to the security risks facing the Fatimid. In addition to being the center of political developments in Ifrīkiya for a short period of time, Mahdiyya became an important base due to its special geographical location in the early 4th century AH, through which the Fatimid's control over the Mediterranean Sea was realized. Also, the city of Manṣūriyya, which was considered to be similar to Baghdad in terms of its basic design and circularity, and was also the model of the Fatimid in the construction of the city of Cairo, became an important center for economic activities in the last three decades of the Fatimid's presence in Ifrīkiya and the cultural developments of the region due to its convenient geographical location.

Keywords: History of Muslim urban development, Islamic Maghreb, Fatimid, Mahdiyya, Manṣūriyya (Sabrah al-Mansuriya).

1. DOI: 10.22051/hii.2023.43719.2791

2. Assistant Professor at the Department of The History of Islamic Culture and Civilization, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran. z.fazli@alzahra.ac.ir
Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493